

متن پرسش

سلام محضر استاد: به عنوان گفتگو در امر ازدواج تفکری نه چندان عمیق و تحقیقات ظاهری کردم، هرچند هنوز پخته نیست ولی امید می‌رود ورودی باشد به تفکر عمیق و راهگشا. مسلم اساس بشر جدید با آزادی و نزد خود بودن بنا شده همین امر باعث شده ازدواج به شیوه سنتی در جهان جدید خیلی معقول بنظر نرسد زیرا ازدواج سنتی تعریف بشری دیگر بود. آنچه عرض می‌کنم از دید یک پسر به مسئله است و از منظر بانوان اطلاعی جز آنچه مشهود است ندارم و این از برکات جمهوری اسلامی است! بگفته شما شرایط ازدواج در تامین مسکن، لباس، و غذاست، خب بیایید بررسی کنیم ممکن است زن بخواهد در اجتماع زندگی کند و مشغول و دارای حقوق باشد و باز تحت تکفل این ۳ تأمین مرد باشد؟! بنظر ممکن نیست. آیا مرد مردانگی خود را در غلبه مالی و غیرت خود بر زندگی و ایجاد محدودیت باید تعریف کند؟ نیچه می‌گوید «زن کامل، نوع انسانی بالاتری از مرد کامل است، و همچنین چیزی بسیار نادرتر» البته نتیجه این سخن را بعد بیزاری از مشکلات رایج زنان و در فرای آن ایرادات و در رهایی از آن‌ها بیان کرده. متوجهیم ایرادات زنان در ازای ایرادات مردان پدید آمده‌اند بطور کلی اگر مرد نداند چگونه مرد باشد زن هم نمی‌داند چگونه زن باشد پس ساختاری باید که، هر دو خود را همانگونه که هستند پیدا کنند و با ازدواج سنتی خانواده ای مناسب امروز شکل نخواهد گرفت. بنظر می‌رسد امر صیغه موقت برای آخرالزمان آمده باشد زمانی که نوجوانان اطلاعات بسیاری دارند اما تجربه و عقل تفکیک و تایین مسائل را ندارند پس چرا در بستر صیغه موقت آن پختگی را در کنار یکدیگر بدست نیاورند تا پس از پختگی وارد ازدواج دائم برای فرزند آوری و ادامه حیات خود شوند؟ اما ازدواج دائم آیا زن و مرد باید تمام وقت یکدیگر را بگیرند و برای هم تصمیم بگیرند؟ خیر. عمده باید تنهایی زندگی کردن و حل مشکلات خود را بپذیرند، بی آنکه بر گردن دیگری بیفتد. اما در امور احساسی و جنسی و فرزندان در یک خیمه یگانه باشند و بدانند تربیت فرزند ننتها وظیفه است بلکه ادامه پرورش وجودی خود آنهاست و هرچه پرورش دهند خود را بسط کرده و فرزند آنها جامعه ای آباد تر می‌سازد و زندگی پیشرانه ای خواهد داشت. آیت الله جوادی آملی معتقد است اگر ازدواج باشد جامعه از فحشا حفظ می‌شود. آری اما مسئله ما شیوه ازدواج و تعریف مرد و زن در کنار یکدیگر است در حالی که در غرب نیز خانواده و ازدواج بشکل سنتی خودشان و یا بیش از حد غیر اخلاقیست که اصلا نام آن خانواده نیست وجود دارد. نسل جدید از ازدواج امتناع دارد زیرا نمی‌خواهد آزادی خود را توسط عده ای سلب و باری را به گردن بگیرد که می‌داند ممکن نیست و حق زنه آزاد نیست چون نمی‌تواند خود را به عنوان مرد در ازدواج سنتی تعریف کند مگر هلاکت مردانگی و زنانگی. و اما

مشکلات زنان عمدتاً از توجه نشأت می‌گیرد شما تصور کنید زوجی آزاد که هر دو شاغلند صبح تا شب کار می‌کنند و شب به آغوش یکدیگر بروند تا صبح پر انرژی خود را آنگونه که می‌خواهند ادامه دهند این یک ایده خوب است. در حالی که چالش‌های روزمره برگردن فرد است و چالش‌های خانوادگی بر گردن هر دو، و چالش خانوادگی جز مسکن و تربیت فرزند نمی‌باشد. این جامعه ای سالم و در عین دینداری خواهد ساخت. چرا زنان و مردان در چهارچوب پیشرفت با جنس مخالف گفتگوی کاری و انسانی نکنند؟ وقتی شهوت و احساساتشان در شب توسط همسر اغنا شده و حجاب بدی برای پیشرفت نداشته باشند. هرچه تلاش کردم نتوانستم روزی را ببینم که همسر مرا از ادامه آنچه که می‌خواهم منصرف کند و من نیز آزادی او را فقط بخاطر ازدواج سنتی سلب کنم. هرکس لباس برای خود می‌خرد هرکس خود تغذیه را بر عهده دارد مگر روزهای تعطیل که یکدیگر این کار را خواهند کرد یا زمانهایی که احساس کنند نیاز دارند اما نه مجبورم و دائمی. چون نیروهای خدماتی به نظافت منزل و ابزارها کارهای نظافت و غیره را انجام می‌دهند. زن و شوهر نهایتاً از غروب تا صبح و روزهای تعطیل برای یکدیگرند نه بیش از آن. زن حق دارد با مردان نسب به حیاء آنان ارتباط داشته باشد و مرد نیز همچین. گرفتن عروسی‌های امروزی نیز امری بیهوده و صرفاً برای نمایش است که جز فساد چیزی ندارد و مایه فخر و خود خواهی پوچ خواهد شد. اینکه سیری از نوجوانی با صیغه موقت تا ازدواج دائم و بعد از آن زمان پرورش فرزند و میانسالی و پیری که امری مهم است داشته باشیم راه ازدواج گشوده و جامعه از بسیاری از مشکلات رهایی و دین نیز جاری خواهد شد. به یاد دارم در نوجوانی از خانواده طلب کردم برایم همسری صیغه کنند اگر این کار را می‌کردند امروز حتماً فردی پخته و بسمت تشکیل خانواده بودم و حال ممکن بود فرزندم مرا دچار چالش‌های وجودی کند نه اینکه به این فکر باشم روح دچار توهم و جامعه سرتاسر شهوت و عقل‌ها زایل و شغل‌ها و روح‌ها پژمرده و پیشرانه پرورش یک ملت دچار کندی و حماقت باشد. امیدوارم با این گفته‌ها مرا به سؤال و جواب بکشانید تا بیشتر بدانم و در گفتگو قرار بگیرد، زیرا جامعه پرورش نیافته بسود هیچ کس نیست. باز اگر چیزی به ذهنم رسید با واژه « #ارتباط_مرد_و_زن_در_بشر_جدید_و_معنای_وجودی_آنها » با یکدیگر گفتگو خواهیم کرد. امیدوارم پیروز باشید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که می‌فرمایید حقیقتاً باید در رابطه با نسبتی که باید زن و مرد در رابطه با ازدواج داشته باشند؛ بازخوانی شود. ولی نه به معنای آن‌که از اصالت‌ها به بهانه سنتی بودن عبور کنیم، بلکه به معنای آن‌که در شرایط تاریخی جدید چگونه زن و مرد زندگی را باید تعریف کنند که امکان ازدواج فراهم باشد؟ و این غیر از آن است که به جهت تنگناهای موجود، موضوع ازدواج موقت را پیش آوریم. در حالی‌که جایگاه ازدواج موقت، جایگاه دیگری است که به خاطر مسائلی مثل جنگ و بی‌سرپرست ماندن همسران شهدا در صدر اسلام پیش آمد. در حالی‌که نظام

اسلامی از طریق بنیاد شهید مشکل اقتصادی همسران شهدا را مرتفع نمود و البته جایگاه ازدواج با همسران شهدا، جایگاه خاص خود را دارد و این غیر از آن صیغه موقتی است که در صدر اسلام مطرح بود. با همه این حرفها مسلماً ما باید در رابطه با ازدواج جوانان تفکری جدی و بازخوانی مربوط به این زمانه و در عین حال مبتنی بر آموزه‌های دینی، بیندیشیم. که البته بحث آن مفصل است و نکاتی در عرایض بنده تحت عنوان «زن» پیش آمده است که می‌تواند مقدمه‌ای برای تفکر باشد. موفق باشید